



شیوا ارستویی در خانه ابدی آرام گرفت

مراسم تشییع پیکر شیوا ارستویی، نویسنده و شاعر، دیروز در خانه هنرمندان برگزار و با بدرقه جمعی در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. این مراسم با حضور نویسندگان، شاعران و هنرمندانی چون فرخنده حاجی‌زاده، حافظ موسوی، حسین سنابور، یغما گلرویی و لیلی فرهادپور برگزار شد. شیوا ارستویی، ۱۶ اردیبهشت‌ماه در ۶۴ سالگی درگذشت. از جمله آثار برجسته او می‌توان به مجموعه داستان‌های «آمده بودم با دخترم چای بخورم»، «آفتاب مهتاب» و «من دختر نیستم» و رمان‌های «بی‌بی شهرزاد»، «افیون»، «آورا که دیدم زیبا شدم»، «نسخه اول»، «آسمان خالی نیست»، «نی‌نا»، «خوف» و «ولی دیوانه‌وار» اشاره کرد. همچنین دو مجموعه شعر «گم» و «بیا تماشا کنیم» از او منتشر شده است. ارستویی در سال ۱۳۸۲ برای مجموعه داستان «آفتاب مهتاب» جوایز ادبی یلدا و هوشنگ گلشیری را دریافت کرد. درگذشت او موجی از اندوه در میان اهالی فرهنگ و ادب ایران برانگیخت.



شب‌های برره در صدر IMDb

سریال طنز «شب‌های برره» به کارگردانی مهران مدیری با امتیاز ۸/۵ از ۱۹ هزار رأی، محبوب‌ترین سریال ایرانی در وب‌سایت جهانی IMDb قرار دارد. این مجموعه خاطره‌انگیز شبکه سه، که سال‌هاست بازپخش نشده، به‌دلیل نوستالژی و طنز جذابش در صدر فهرست قرار دارد. رتبه دوم به «کلاه قرمزی ۹۰» با امتیاز ۸/۵ از ۵۷۰۰ رأی اختصاص یافت. خبرگزاری ایسنا، برای تهیه این فهرست سریال‌های با حداقل پنج هزار رأی در IMDb را بررسی کرده است. در رتبه‌های بعدی، پویانمایی «پهلوانان» با امتیاز ۸/۴ از ۱۷۰ هزار رأی، «شکرستان» و «دیرین دیرین» قرار دارند. «پهلوانان» در سال ۱۴۰۰ با هجوم کاربران ایرانی به IMDb به‌طور موقت در صدر سریال‌های جهانی قرار گرفت، اما پس از دخالت سایت، از فهرست ۲۵۰ سریال برتر حذف شد. در بخش نمایش خانگی، «قورباغه»، «پوست شیر» و «شهرزاد» رتبه‌های ششم تا هشتم را کسب کردند. آثار مهران مدیری مانند «مرد هزار چهره» و «پاورچین» نیز حضور پررنگی در این فهرست دارند.



افتتاح هتل سینمایی کاپولا

فرانسیس فورد کاپولا، کارگردان شهره‌هالوبود، هتلی سینمایی در شهر سویت ایتالیا افتتاح کرد که اقامتگاهی منحصربه‌فرد برای علاقه‌مندان به سینما به‌ویژه طرفداران سه‌گانه «پدرخوانده» است. این هتل که «کارا کاپولا» نام دارد، در عمارتی تاریخی متعلق به قرن نوزدهم بازسازی شده و با طراحی الهام‌گرفته از دنیای «پدرخوانده»، فضایی نوستالژیک و سینمایی خلق کرده است. کاپولا این پروژه را با هدف ترکیب هنر، تاریخ و مهمان‌نوازی راه‌اندازی کرده است. هتل دارای سوئیت‌هایی با نام‌های شخصیت‌های فیلم‌مانند «دون کورلئونه» و «مایکل» است و دکوراسیون آن شامل پوسترهای اصلی فیلم، وسایل صحنه و عکس‌های پشت‌صحنه است. سالن سینمای اختصاصی هتل، سه‌گانه «پدرخوانده» و دیگر آثار کاپولا را نمایش می‌دهد. رستوران هتل نیز با منویی از غذاهای سنتی سیسیلی، حال‌وهوای ایتالیای قدیم را زنده می‌کند. این اقامتگاه نه‌تنها برای طرفداران سینما، بلکه برای گردشگرانی که به‌دنبال تجربه‌ای فرهنگی و لوکس هستند، جذاب است.

آرزوهای هنرمند را نمی‌توان از او گرفت

نرگس کیانی، مسعود شاه‌حسینی
گروه فرهنگ

شب حسین علیزاده، عنوان هشتصدوچهل‌ویکمین شب بخارا به بهانه انتشار اثر «دستگاه‌های موسیقی ایران» به همت علیزاده بود. در این شب که با سخنرانی هوشنگ مهران‌لان، محمد فاضلی، سیروس جمالی، بابک خضرائی، وحید حسینی‌همدان، علی بوستان، پریسا پولادیان و علی دهباشی همراه بود، برشی از مستند «تحریر حریر» کاری از حسینی‌همدان نیز به نمایش درآمد. هشتصدوچهل‌ویکمین شب بخارا به همت علی دهباشی روز دوشنبه، ۲۲ اردیبهشت‌ماه در تالار خلیج‌فارس فرهنگسرای نیاوران برگزار شد. آغازکننده این مراسم علی دهباشی بود که در سخنانی کوتاه خطاب به علیزاده چنین گفت: «شما بیش از شش دهه است که در خاطره جمعی نه تنها مردم ایران که در حوزه فرهنگی تمدن ایرانی، حضور دارید. ما با نوای ساز شما زندگی کرده‌ایم و ساز شما ترجمان احوال مردم این سرزمین است. ما با موسیقی شما هم‌چون سروده‌های شاعران بزرگ پارسی، در روزهای سخت و دشوار از سرِ درد یا از سرِ شوق همدلانه گریسته‌ایم. نوای موسیقی شما بیانگر احوال ملتی است که در دوران خطیر زندگی‌شان هرگز تنهای‌شان نگذاشتید و با بودن خود، نبودن‌های دیگران را جبران کردید. این ایام از ایام فراموش‌نشدنی زندگی ما خواهد بود و به یادگار می‌ماند.» در ادامه گزارشی از سخنان ارائه‌شده در این نشست که همراه بود با حضور بزرگانی چون محمدرضا شفیعی کدکنی، معید درخشانی و... را می‌خوانید.

هیچ کس برای او غریبه نیست



پریسا پولادیان
نشانگر، بازنگری نوشتاری
و اجرایی، نوازنده

صحبت کردن در مورد استاد حسین علیزاده از طرفی آسان است چون در مورد سراسر خوبی و نیکی می‌توان ساعت‌ها صحبت کرد و از طرفی بسیار دشوار است که بنده کمترینی چون من، در مورد استاد حسین علیزاده صحبت کند. من از کودکی با آثار استاد بزرگ شده‌ام و در ۱۰ سال اخیر شاگرد ایشان بوده‌ام. ما نوازندگان تار و سeta، جملگی سال‌ها تلاش می‌کنیم تا فرم مضراب به‌دست گرفتن‌مان، به فرم مضراب به‌دست گرفتن استاد نزدیک شود یا بتوانیم آثارشان را در شبیه‌ترین حالت به آن چه خودشان اجرا می‌کنند، اجرا کنیم، چون همه‌مان می‌خواهیم یک قدم به آن چه علیزاده هست یا به شناخت ایشان، نزدیک شویم. اما حتی اگر بتوانیم بر فرض محال شبیه ایشان باشیم، غیرممکن است که بتوانیم خود علیزاده باشیم. ما هیچ‌وقت نمی‌توانیم علیزاده را بفهمیم مگر اینکه در بابیم چه چیزی او را فراتر از یک موزیسین بزرگ کرده است؟ ما می‌دانیم هنرمندان بسیاری در تمام دنیا

هستند که این گونه‌اند اما چه خصوصیاتی آن‌ها را فراتر از یک موزیسین بی‌نظیر می‌نشانند؟ از نقاط تمایز آن‌ها از جمله حسین علیزاده، دغدغه‌مندی‌شان است. شاید فکر کنید دغدغه‌مندی کلمه‌ای ساده است و خیلی‌ها یمان این احساس مسئولیت را نسبت به اطراف و اطرافیان‌مان داریم اما تا کجا، چقدر و نسبت به چه؟ علیزاده فقط نسبت به نزدیکانش احساس مسئولیت نمی‌کند، نسبت به تک‌تک آحاد جامعه احساس مسئولیت می‌کند. «رواقع اگر اتفاقی بیفتد ما پس از چندی رها می‌کنیم اما علیزاده رها نمی‌کند و تلاش می‌کند شرایط را تغییر دهد و آن چه را درک کرده، به آثارش منتقل کند. هیچ غریبه‌ای برای او غریبه نیست. شما اگر کوهی از غم باشید، نزد علیزاده سنگ‌های غم‌تان یکی‌یکی کنده و تبدیل به امید می‌شود. شاید فکر کنید هنرمند هر چه بیشتر شناخته می‌شود، حق دارد بیشتر به خود فکر کند اما علیزاده برعکس عمل کرده و همان‌جا که بیشتر شناخته‌شده، بیشتر به دیگران فکر کرده است. شما اگر با کوهی از ناامیدی نزد علیزاده بروید با دریایی از امید برمی‌گردید. او بدون منت دانه‌ای کاشته است که تا سالیان‌سال از آن دانه برداشت خواهد شد. او نور است و برای همه ما جوادان.

علیزاده در برابر تاریکی امید می‌سازد



محمد فاضلی
جامعه‌شناس

لحظاتی در تاریخ هر ملتی هست که حتی اگر همه‌چیز واقعاً سیاه نباشد اما سیاهی‌ها غلبه دارد و گاه روایت سیاهی غالب‌تر از خود آن است. آدم‌ها در این لحظات کم می‌آورند. در این لحظات ایستادگی کردن به‌رغم همه ناخرسندی‌ها سخت است. زمین و زمان تو را به دست کشیدن، پس کردن، کار نکردن، به انتظار نشستن، دل بردن و اکتفا کردن شکایت‌های خرد و درشت فرا می‌خوانند. جامعه بالاخص آدم‌های موثرش در چنین لحظاتی به آدم‌هایی نیاز دارند که دلیلی برای ماندن نغمه، برای خواندن و مطالعه برای تکرار کردن در موسیقی

زندگی باشند تا به رنج کشیدن‌ها معنا دهند و نگذارند استیصال مایه اصلی موسیقی زندگی شود. در چنین لحظاتی بالاخص وقتی رنگ تاریخ برای وطن‌تیره و دنیای غربی هم هست که بر جهان چیره شده و تو، میهن و میراث‌اش همه در نسبت با آن سنجیده می‌شوی و کسانی هستند که تو را بی‌توشه و بی‌نی‌راست می‌خوانند، باز هم نیاز است آدم‌هایی باشند که وجودشان دلیلی باشد بر اینکه تو ریشه‌داری و برگی هستی که بر ریشه و تنه‌ای عظیم رسته‌ای و خودت می‌توانی ریشه شوی. این آدم‌ها تو را به مبارزه کردن با پوچی، تسلیم نشدن و گیر نکردن در همه روایت‌های گذشته‌نگر یا گذشته‌سوز فرا می‌خوانند و بودن‌شان نماد ظرفیت زندگی خلاق بی‌خشونت است. این آدم‌ها خواه سیاستمدار، هنرمند، فعال اقتصادی، کنشگر اجتماعی، دانشمند یا ورزشکار، نقشی فراتر از حرفه‌شان دارند. با حضور اندیشه و عمل‌شان، سنگینی لحظه‌های دشوار تاریخ را سبک‌تر می‌کنند و در

برابر تاریکی امید می‌سازند.

هدفم ستایش بی‌چون‌وچرا یا فراتر بردن‌شان از نقد نیست، بلکه تاکید بر این ضرورت است که هر جامعه‌ای برای دوام به کسانی نیاز دارد که دیگران را از ملال عبور دهند، به خلاقیت جان بخشند، اسارت را معنا و ریشه‌داری را تصویرسازی کنند، شجاعت شکوفا در ظرف زمان و مکان باشند و در سایه رندی و شرافت، پذیر ساختن بکارند. این آدم‌ها جدای از آثاری که پدید می‌آورند و میراثی که به‌جا می‌گذارند، ارزش و کارکرد اجتماعی دارند؛ بودن‌شان اهمیت دارد برای نیروی حیاتی که به دیگران می‌دهند. این آدم‌ها به‌قول محسن غنی، سرمایه‌های نمادین جامعه و نماد چیزی فراتر از خودشان، کارشان و تخصص‌شان هستند. حسین علیزاده از جنس همین آدم‌هاست. اصلاً مسئله این نیست که موسیقی‌اش کارکرد اجتماعی دارد. این‌که هست اما علیزاده به‌مثابه گونه‌ای آدم ملال‌ستیز، کارکرد اجتماعی دارد. او نماد نوعی از زندگی است که ملال را روی سر دیگران آوار نمی‌کند. شبیه کسانی چون رضایانمند، توران میرهادی، ابوالحسن ابتهاج، خانم استرآبادی، عبدالرحیم جعفری، محسن خلیلی، محمد درویش و... آثار او، هم تعریض به خطر فراموشی میراث‌اند، هم تلاش برای آشتی میان گذشته و حال، نه در بند تقلید از دیروز مانده، نه تسلیم برخی